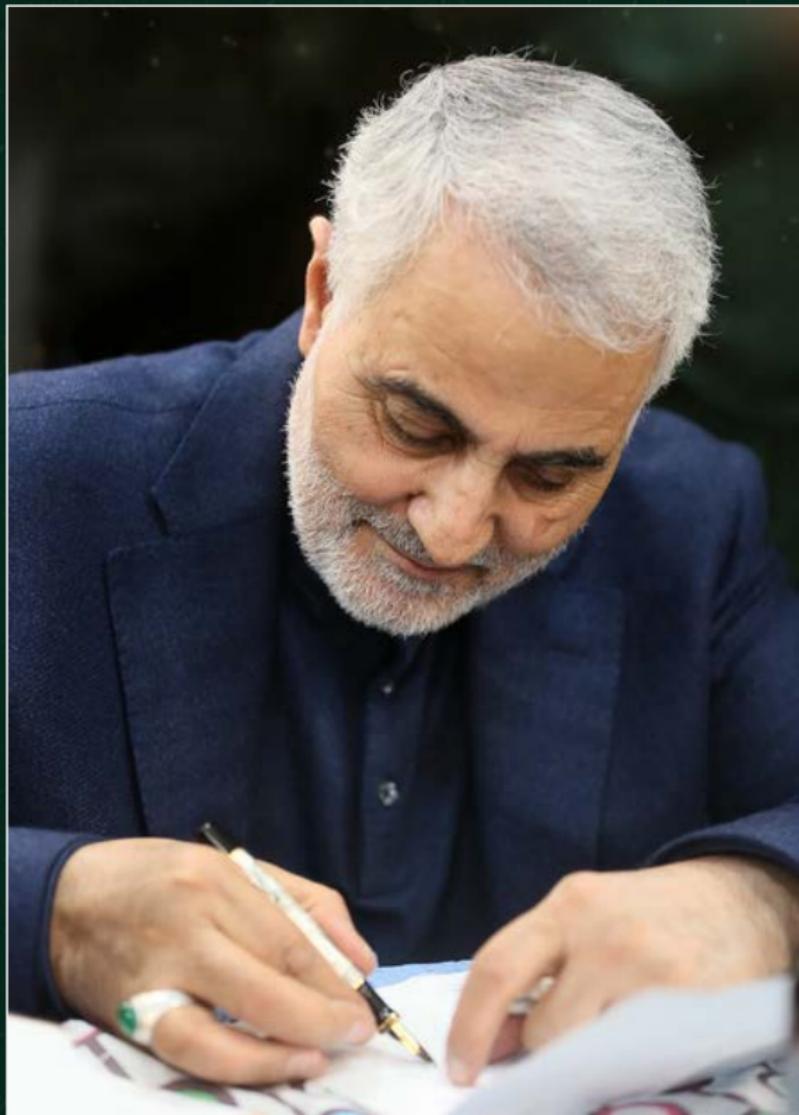


میثاق نامه مکتب حاج قاسم

وصیت نامه الہی سیاسی شہید سپہبد قاسم سلیمانی



لسم الستراتيجي

مکتب حاج قاسم

موسسه مکتب حاج قاسم
حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی



میثاق نامه مکتب حاج قاسم

فهرست | وصیت نامه الہی سیاسی شہید سپہید قاسم سلیمانی

۴	شہادت میدھم بے اصول دین
۶	خدایا! تورا سپاس میگویم بخاطر نعمتھایت
۸	خدایا! بے عفو تو امید دارم
۱۲	خدایا! از کارروان دوستانم جاماندہ ام
۱۵	خطاب بے برادران و خواهران مجاهدم ...
۱۶	خطاب بے برادران و خواهران ایرانی ...
۲۳	خطاب بے مردم عزیز کرمان ...
۲۶	خطاب بے خانوادہ شھدا ...
۲۸	خطاب بے سیاسیون کشور ...
۳۲	خطاب بے برادران سپاہی وارتشی ...
۳۲	خطاب بے علماء و مراجع معظم
۳۴	از همه طلب عفو دارم
۳۷	دست خط حاج قاسم

بسم الله الرحمن الرحيم

◆ شهادت میدهم به اصول دین^۱

اشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أنَّ محمداً رسول الله وأشهد
أنَّ أمير المؤمنين على بن أبي طالب و أولاده المعصومين
اثنتي عشرة أئمتنا ومعصومينا حجج الله.
شهادت می دهم که قیامت حق است. قرآن حق است.
بهشت و جهنّم حق است. سؤال و جواب حق است.
معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.

۱- عناوین میانی از متن وصیت‌نامه نیست و صرفاً برای دسته‌بندی موضوعی نوشته شده است.



◆ خدایا!

تورا سپاس میگویم بخاطر نعمتهاشت

خداؤندا! تورا سپاس که مرا صلب به صلب،
قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در
زمانی اجازه ظهور وجود دادی که امکان درک یکی
از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین و قریب معصومین
است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و
سریاز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت
محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره
مظلومیت علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم و
مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آنها در
همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلق است
بود، تقدیم کردند.

خداؤندا! تورا شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی
عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم
است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع
و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز- که

جانم فدای جان او باد - قرار دادی.

پروردگارا! تورا سپاس که مرا بابا بهترین بندگانت در هم آمیختی
و درک بوسه بر گونه های بهشتی آنان واستشمام بوی عطراللهی
آنان را - یعنی مجاهدین و شهدای این راه - به من ارزانی داشتی.
خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر
شم برآستانت می سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر
و فرزندانش در مذهب تشیع. عطر حقيقة اسلام. قرار
دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه
اطهر بهره مند نمودی؛ چه نعمت عظماًی که بالاترین
وارزشمندترین نعمت هایت است؛ نعمتی که در آن نور
است، معنویت، بی قراری که در درون خود بالاترین قرارها
را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.

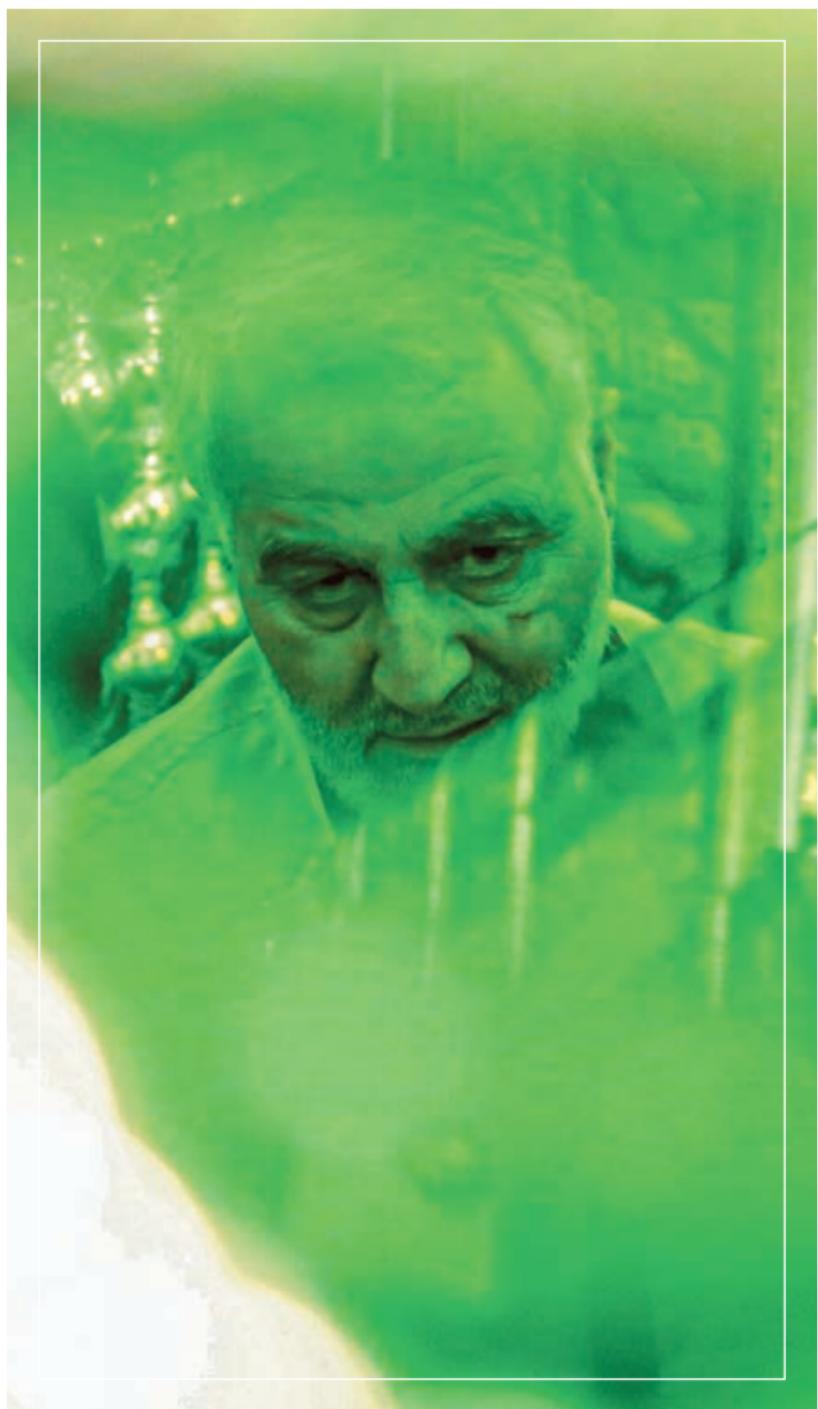
خداوندا! تورا سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما
متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره مند
نمودی. از تو عاجزانه می خواهم آنها را در بهشت و با
اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان
بهره مند فرما.

◆ خدایا! به عفو تو امید دارم

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی همتا! دستم خالی است و کوله پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه ای به امید ضیافت عفو و کرم تومی آیم. من توشه ای برنگرفته ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟! سارق، چارقم پراست از امید به توه فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکیها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصور مظلوم در چنگ ظالم. خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به سمت تواست. وقتی آنها را به سمتت بلند کردم، وقتی آنها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ اینها ثروت دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است. رمق ندارد.



[پاهایم] جرأت عبور از پلی که از جهنّم عبور می‌کند، ندارد.
 من در پل عادی هم پاهایم می‌لرzd، وای برمن و صراط تو
 که از مونازک تراست و از شمشیر بُرندۀ تر؛ اما یک امیدی
 به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرم، ممکن است
 نجات پیدا کنم. من با این پاها در حَرَمت پاگذاردهام و دورِ
 خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیائت در بین الحرمین حسین
 و عباس است آنها را برنه دواندم و این پاها را در سنگرهای
 طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم،
 جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم
 و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و
 خزیدن‌ها و به حُرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی.
 خداوندا! سرمن، عقل من، لب من، شامه من، گوش من،
 قلب من، همه اعضا و جوارح در همین امید به سرمی‌برند؛
 یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن چنان بپذیر که
 شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تورانمی خواهم، بهشت من
 جوار توست، یا الله!





◆ خدایا! از کاروان دوستانم جامانده‌ام

خداوند، ای عزیز! من سال‌ها است از کاروانی به جامانده‌ام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جامانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آنها را



از یاد ببرم. پیوسته یاد آنها، نام آنها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.
عزیزمن! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟

خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم
سراسر وجودم را مملواز عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق
خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بی قراری و رسایی جاماندگی، سربه بیابان‌ها
گذارده‌ام؛ من به امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا
به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب،
به گرمت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوست دارم. خوب
می‌دانی جز تورانمی خواهم. مرا به خودت متصل کن.

خدایا وحشت همه‌ی وجودم را فراگرفته است. من قادر
به مهار نفس خود نیستم، رسایم نکن. مرا به ُحرمت
کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از
شکستن حریمی که حرم آنها را خدشه دار می‌کند، مرا به
قابل‌های که به سویت آمدند، متصل کن.

معبد من، عشق من و معشوق من، دوست دارم.
بارها تورا دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از توجدا
بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن چنان که
شایسته توباشم.

◆ خطاب به برادران و خواهران مجاهدم...

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده اید و جانها را برکف دست گرفته و در بازار عشق بازی به سوق فروش آمده اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است.

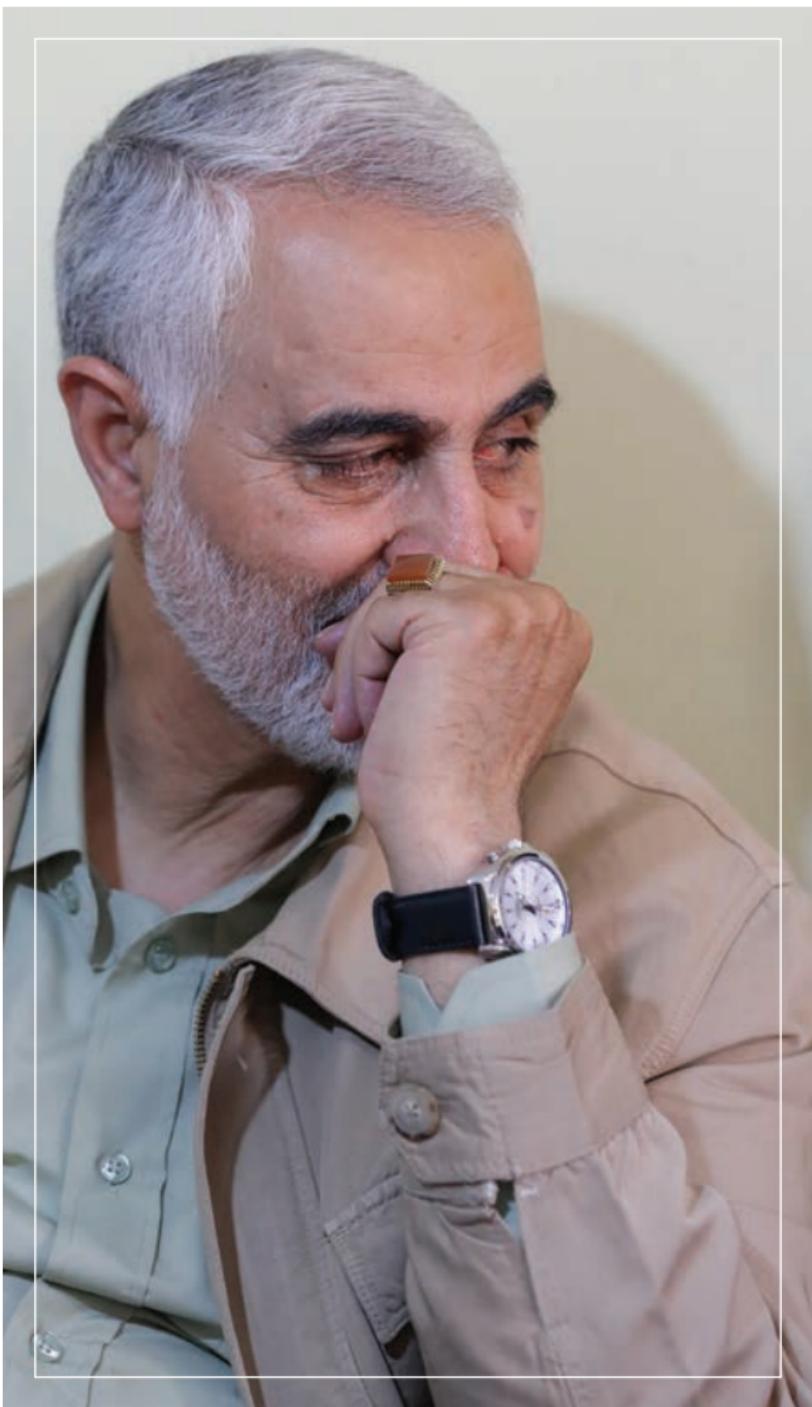
امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی ﷺ.

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنتی

اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رهانکنید. خیمه، خیمه‌ی رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

◆ خطاب به برادران و خواهران ایرانی...

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سر بلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی‌فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.



برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من!
جمهوری اسلامی، امروز سر بلندترین دوره خود را طی می‌کند.
بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد.
دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه
با پیامبر خدا او لادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند،
چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و
شمات آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.

بدانید که می‌دانید مهمترین هنر خمینی عزیزاین بود
که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در
خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی
براین ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این
کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را
می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛
عاشورا و محرم، صفو و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد.
انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره
هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک
ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را

ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید. شهدا، محور عزّت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان تان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان‌گونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید، آنها را در نبود پدران، مادران، همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

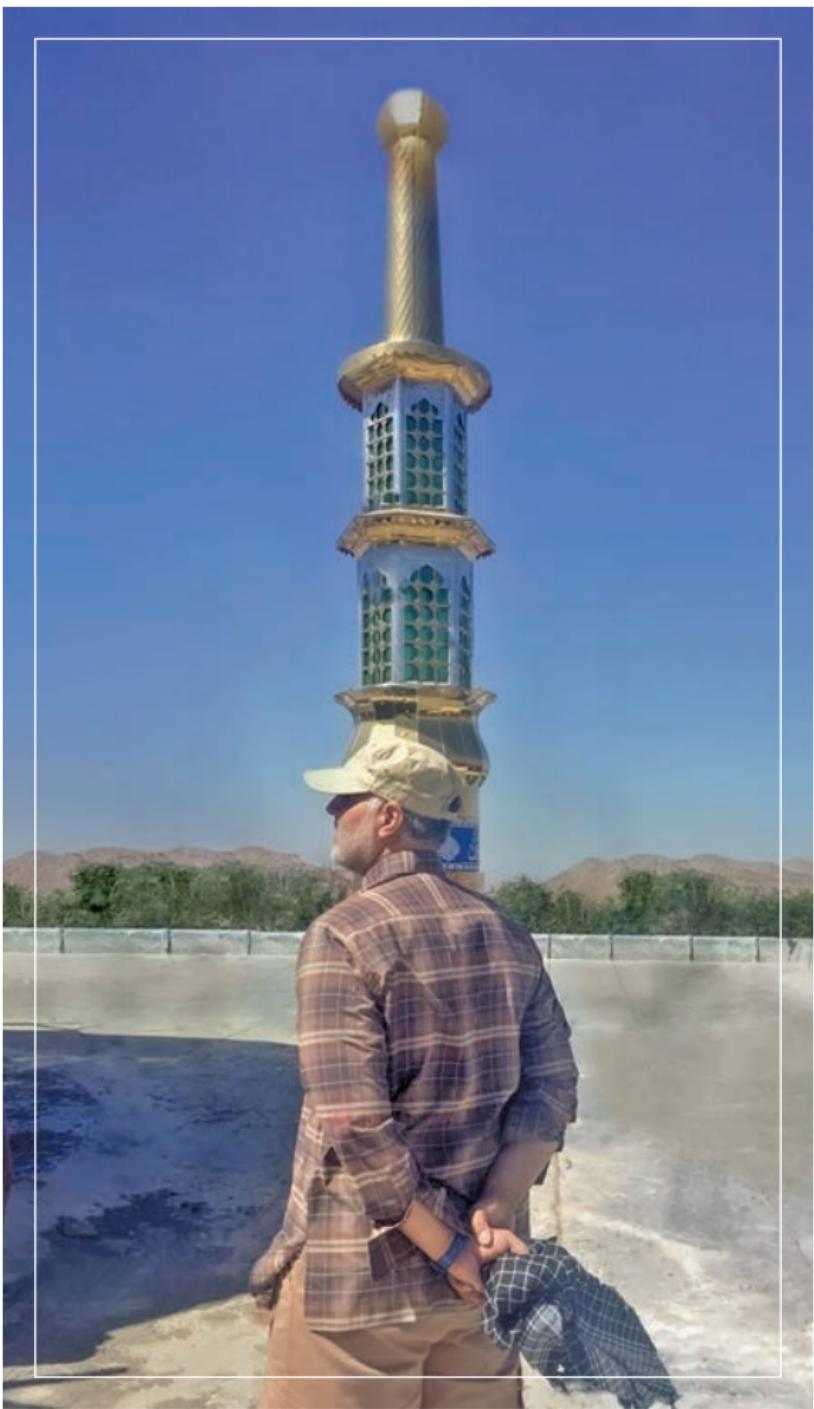
نیروهای مسلح خود را که امروز ولیٰ فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهبیان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌باشد همانند دفاع از خانه‌ی خود، از ملت و نوامیس وارضی آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت همان‌گونه که امیر المؤمنین مولای متقيان فرمود، نیروهای مسلح می‌باشد منشأ عزت ملت باشد و قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم باشد و زینت کشورش باشد.

در حاشیه دیدار جمعی از خانواده های شهدای مدافع حرم در شهر بابل. اسفندماه ۹۷





دست نوشته حاج قاسم: فدای این دست هایی که در راه خدا داده شد.



◆ خطاب به مردم عزیز کرمان...

نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست داشتنی اند و در طول ۸ سال دفاع مقدس بالاترین فدایکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار والامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمنده آنها هستم. هشت سال به خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی چون کربلای ۵، والفجر ۸، طریق القدس، فتحالمبین، بیت المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به نام و به عشق امام مظلوم حسین بن علی به نام شار الله، بنیان‌گذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملتمنان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آنها زدود.

عزیزان! من بنا به تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آنها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آنها بودم و آنها پاره وجود من،

اما آنها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و
ملت ایران کنم.

دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولايت بماند. این
ولايت، ولايت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه
حسین فاطمه است. دور آن بگردید. با همه شما هستم.
می دانید در زندگی به انسانیت و عاطفه ها و فطرت ها
بیشتر از رنگ های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه
شما است که مرا از خود می دانید، برادر خود و فرزند خود
می دانید.

وصیت می کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در
انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید.
دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در
مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی،
مقدّسات و ولايت فقیه مطرح می شود، اینها رنگ خدا
هستند؛ رنگ خدا را برهرنگی ترجیح دهید.



◆ خطاب به خانواده شهدا...

فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهدا، پدران و مادران باقی‌مانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران و فادار و متدينه شهدا! در این عالم، صوتی که روزانه من می‌شنیدم و مأнос با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آرامش می‌داد و بزرگترین پشتوانه معنوی خود می‌دانستم، صدای فرزندان شهدا بود که بعضاً روزانه با آن مأнос بودم؛ صدای پدر و مادر شهدا بود که وجود مادر و پدر را در وجودشان احساس می‌کردم. عزیزانم! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه‌گر کنید، به طوری که هر کس شما را می‌بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خود شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت.

خواهش می‌کنم مرا حلal کنید و عفونمایید. من نتوانستم حق لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان اداء کنم، هم استغفار می‌کنم و هم طلب عفو دارم.



دوست دارم جنازه ام را فرزندان شهدا بردوش گیرند، شاید به برکت اصابت دستان پاک آنها برجسدم، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

◆ خطاب به سیاسیون کشور...

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آنهایی [که] اصلاح طلب خود را می‌نامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودم اینکه عموماً مادر دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدامی‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطلق و مفصل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

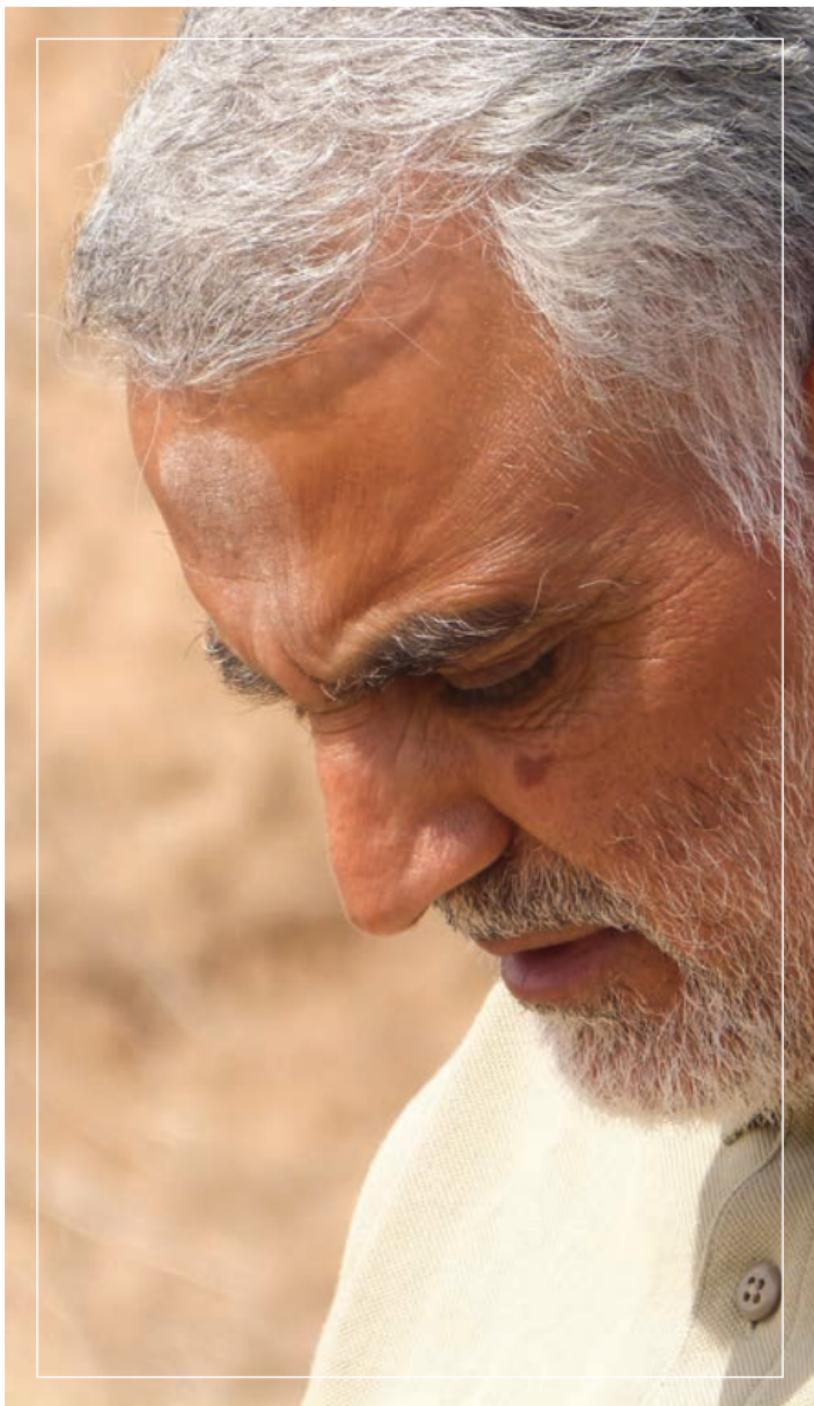
۱- اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و

تذکرات او به عنوان طبیب حقيقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقيقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می گویم ولایت تنوری و نه می گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو مشکل وحدت را حل نمی کند؛ ولایت قانونی، خاص عامله مردم اعم از مسلم و غیر مسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولین است که می خواهند بار مهم کشور را بردوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید.

۲- اعتقاد حقيقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش ها تا مسئولیت ها؛ چه مسئولیت در مقابل ملت و چه در مقابل اسلام.

۳- به کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میزیک دهستان هم برسند خاطرهی خانهای سابق را تداعی می کنند.

۴- مقابله با فساد و دوری از فساد و تجملات را شیوه خود قرار دهنده.



۵- در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بداند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه گر ارزشها باشد، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کند.

مسئولین همانند پدران جامعه می‌باشد به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و به خاطر احساسات و جلب برخی از آراء احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم پاشاند. حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح برپایه همین اصول برای انتخاب اصلاح صورت می‌گیرد.

◆ خطاب به برادران سپاهی و ارتشی...

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیزو فداکار و ارتشی‌های سپاهی دارم: ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است. این شرط خلل ناپذیر می‌باشد.

نکته دیگر، شناخت به موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به موقع و عمل به موقع؛ هریک از آینه‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدی دارد.

◆ خطاب به علماء و مراجع معظم

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ ساله در میدان به علمای عظیم الشأن و مراجع گران قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌ها هستند، خصوصاً مراجع عظام تقليد. سربازتان از یک برج دیده‌بانی، دید که اگر این

نظام آسیب بیند، دین و آنچه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود. این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است. این بار اگر مسلط شدند، از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه است. نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه‌ی شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی‌فقیه است. من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی ختناسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علماء مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق به جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی رهبر انقلاب هستند و می‌باشد مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او

نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات معظم با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت هایتان با ایشان می بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار برالحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل برگشت خواهد بود.

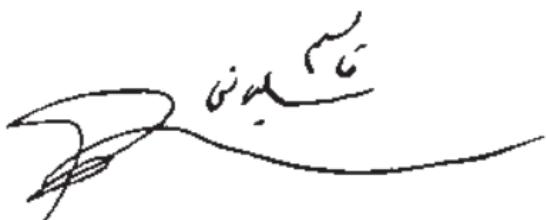
دست مبارکتان را می بوسم و عذرخواهی می کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرف یابی های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد.

سربازتان و دست بوستان

◆ از همه طلب عفو دارم

از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لشکر ثار الله و نیروی باعظمت قدس که خار چشم دشمن و سد راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصاً از کسانی که برادرانه به من کمک کردند. نمی توانم از حسین پور جعفری نام نبرم که خیرخواهانه

و برادرانه مرا مثل فرزندی کمک می‌کرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت انداختمشان عذرخواهی می‌کنم. البته همه برادران نیروی قدس به من محبت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردار قاآنی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند.

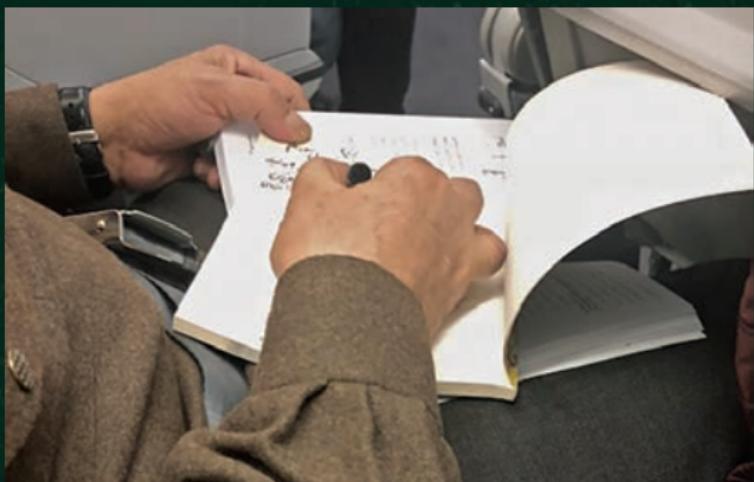


مکتب حاج قاسم

موسسه مکتب حاج قاسم حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی



میثاق نامہ مکتب حاج قاسم
وصیت نامہ الہی سیاسے شہید سپہبد قاسم سلیمانی



دست خط حاج قاسم

لسم الہدایہ احمد ابراهیم

احمد ایں کا اللہ ۲۱ مئہ و اسکے ایں صورتیں اند مرائیں
میراں سو میں علی بن ابی طالب و اول کار و المعاشرین ائمہ عیش
امام سانتا مسلم بن عینیتی اللہ ع تھار و دو میں دوست ایں
قرآن حق ایسے کھیتے دھرم لئے ایں بیزان و ولادیوں کی جنمادیں ایں

خداوند ایسے مرا حلب چلب حرب و فرق

و قلب پر قلب سنتی کروں درد رونی اعیادہ خلیفہ و میر
وادیں کروں دوں دوں یک دوں دوں صیہ ترین اور دیویسیں ایں
قریع و قریب مسلمین ایسے علیہ حاکم خلیفہ بیرون

ما رہ رکنی و سلطان رکاب اسلام و اتو منیع صاحب الامر

رسول اعلیٰ کو مصلحتن کا دامنیج رہوں یا نہوں یادوں از دورہ

معلم صیہ علی بن ابی طالب و وزیر جان مسلم و معلم مفسر

مراد رہیں قرار داویں کو آکھوں دوں میری حال ہے زرائیں

حلا و خلست یورنڈم کو دوں

خداوند اذکر رکاب رکب رکب از علیہ حاکم خلیفہ

مراد میر علی دیکھ دیکھ نہ مغلوم عیش اعلیٰ است

!

بڑھ لمحتیں مردیں اور فیض امروز اسے رئیسیہ را ران و خدا

سینے اسے خدمت اس عزیز برادر بنی قدریں ۷۵ لوگوں

مرکار دادیں،
پر مرد کا ڈنڈا پس سر کہہ دیا جو بھتر بین ہے کات درم

آج یعنی دو روز پہلے بچوں کی دعویٰ بھیست آئیں (واسٹہ)

یوں عطر الہی کیلیں، ای بعنی جی مددیں پر لکھا جو اسی زیر ای

یعنی اسی زیر ای دشمن

خدا کرنے والی تا در عزیز دل رکھ رزان بیت ان شکر شرم
بر کشت ملائیں کرم اور سیر نہ فلم افلاہ و فریاد

در عذاب قبضے عطر و چنپ کیم فرار دادیں

دو ازالیں بکھر بروزناہ عذر بین ایسا مال بیوی کا اسلام بیوی

امور ۱۰۰۰ میلے لفڑیں اور ۲۰ لاریں دل کھنڈ کریں جنت ۶۰۰

اسے

۲

لغت کو در آن نظر اس سمعت داشت، علی فراری کرد و در رو
حڑو بیلا رسن و کرها را در لغت کرا میگزیند ملحوظ است دارو
خد اونه کو را بیسا سر کرده ای ز پوره دار فقیر ای اندیشین و
اهل بیس و بیوسه در سری یکی هم مذکونه داشتند تر عالجه
نه اهم آنکه در بخشش داده اند وین کجا
رساند عالم اکثرت از در که میگشت ای ای مذکونه
ای هنای عزیز دار خالق عالم یعنی همی دست خاله
دکوه پیش سفرم خواه من بدین برداشته باش و امید
عند داشت
خوبی داشت تر ای اکرم مدد نوشته ایان برگزد مقتله ایام پیوں غافیر
در خرد کیم چه حاصله ای بخواسته و بیگز
سرقاچه را ای ای عالم ای ای مذکونه و کرم نز.

بسم اللہ الرحمن الرحيم رب العالمین آللہ عزوجل جو دلکھل کر دینا،
 دلکھل کر دینا، بیکر دلکھل ای رزگ کے دار دو ایں کو عمر اسکے
 برصین اسے کو دو اسکے برائیں سست اسے کو وائس
 دفعتہ عصمر مظلوم دلکھل کر دینا،
 دلکھل کر دینا، یعنی، رضا دار دو دلکھل کر دینے پیر رام سست
 نہ برائیں عورت دو دعوت مطلع داشت ای دلکھل کر دینا،
 دلکھل کر دینا کہ جسیت نہ فخر، احمد دارم دلکھل
 دلکھل کر دینا، دلکھل کر دینے دینے اکھی بیکت
 عین کرامہ دوست اکھی دلکھل کر دینے دلکھل کر دینے
 دلکھل سچ دلکھل کر دینے دلکھل کر دینے دلکھل
 خود دوست دلکھل کر دینے دلکھل کر دینے دلکھل
 خدا دندا یعنی دلکھل کر دینے اسے رسوئی دلکھل کر دینے
 عین راز میں کر ادھ جنم عیور جنم ندار مونہ دلکھل
 دلکھل کر دینے دلکھل کر دینے دلکھل کر دینے دلکھل

میثاق نامه مکتب حاج قاسم

وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید سپهبد قاسم سلیمانی

میکائیل
Subject: کامپیوٹر سائنس، انجینئرنگ برائے
ایک اسیں یہ سو ٹوکنیکس کا مائن اے تاریخ
دوسرا حصہ اسی پر بندا جا رہا ہے
وہ ایک دوسری حصہ کا مائن اے تاریخ
یہ میں دوسری حصہ کی سیکھنے کی طرف ہوں گا (کامپیوٹر)

و- وحاج از دینت دویدم، خدیدم، خردیدم و درست
خدیدم و مذکور آدم و مژریت و مژریکانم، راهنماییم و ملخهایم
ایندیدم از آن یقیناً بگویدم و- والله آن

مصحح آثار بیرون، خداوند سرمن علمی می‌باشد.

لمس تدهم نهش من . تاب من، هما هما

وَهُوَ رَمَدٌ دَرْقِيٌّ اعْبُرْتُ بِهِ بَنْدَارِمَارِادِنَ

وابیدر . ڈیکھنے پڑے اپنے پدر کی سمت

دیوار سرمه جز دربار تهران خزانه کلیسیه بین

چوارویں بیاللہ، حذف کرد ای عرب، من میں

۱۰۷۶ میں پہلی بار ایک دوسرے کے لئے ایک

دو ائمہ علیہما السلام اس زمانہ میں ایک ایسا بزرگ

بزرگ انتہ آفرازنا یا و ببرہم پیر سید را کہا، علم

امضا نہ دے، وہ نہ ملکہ سر قلم و روحِ حرم پا اٹھا کہ

یہ دستہ جسم من مردی کی عملی کاری اسے

جیکہ نہ فکر کر کر کھل سائی ہے اسے انتہا رہا

و اینہ نہیں ہے کافی من، محیر من، ملک من

کہ یورپیہ اور افریقہ انتہ کا سر و حرم را مخلوک

محقی صورت کی دو اور قوادہ صورت کی دو

و بیکار۔ عذیزم صور اور عین و فائض و رسولی صور ایک مانگا

سری بیت بیت کلارڈہ ایک ملکہ ایک اعلیٰ ایک

کلہا کل کل و ایک اعلیٰ ایک اعلیٰ ایک اعلیٰ

کل اعلیٰ و رحم

کرچے جسیب پھر منے دیں تھام تو اڑا
 دوں دوست دارم خداوند انا ہن تورا
 حضور مرا ہے مدت سے متصل کن خدا
 وحشت ہے دھور راؤ اُرمنہ اسے من
 کادیں بھئ رنگس ٹھوں سینہم رلوائیں کنی
 وارم حامت کی ہا کہ درست لے چاہوڑ
 وجہب کر دھام قید اڑ کھکھن لکھیں
 صورم آئھ را خذیر داروں کم و راہیں کی فلماء
 اُر بلوسر آکھہ نڈا متصل کنی
 صبور من علیک من و معافی من، و بکت
 دارم بیدر دوڑا دیں و حسن کرو
 عالم را زندگی ملھا یا نہ بیس اسے بس

و را بینزیر، امام اکھنوار کرن سے بے قدر ہے
 خدا اصرار اور ارادت میں مدد و رشتمان اسی کی شہادت
 سے کھلکھل دیتا ہے اور اسے عالمیہ رادعہ ایڈویل میں
 طبیعت کی دلکشی کے عین وریدا راستہ پر عشق یادیں
 بیوقوف حرمہ سر کے بعد ایک عنایتیہ تکیہ
 جھوہریہ کیم و کر اسہم و تسلیم لئے اور از
 و فرازہ
 حین یعنی ایسا 10 سال سے قبل (1969ء)
 اسے دلبر حرم و پریم مذہبیہ مانند
 اگر دلکشی ایک حرم ایسا ہے تو حرم یقین
 اسے مانند ہے اور دلکشی ایک حرمیں وہ حرمیں محسوس (15)
 صدر ایں وہ مولانا نعمان کشمیری نیازی، رہنی
 اسے رکھیں میتھا، منہو یہ رہنما و فضل

بادلیں اور بے دلائیں میرے کریں خوبیوں
کو چھوڑا بھال دا دا اسم را اچھیج کر
چھپنے ہرگز رکھ دے کو عروج سے حقیقت رائیخ نہ خ
بھی بھنڈا ایسے احتیاط کردار دار لدا
ہے وکٹ کو دعینوں تیغ بول اسکا دین
دایر و صیر کو دعینوں کو اعتماد دین
داریوں میں اینڈریووں کو ہو کرستا ہوئے جان
بھی اس کم خوبی و لا سمجھ درا رہے تھے
تھیں تھیں دسل ایسے اس ساری کوئی
بھی دیکھو رہے ہیں، اسکے زور
وو پران کریں ایسے لئے اسے دو
اک بھر جنید و ملم و ایم دالم ایسے جنید

اے آسمیں ویر پست اللہ المکرم و مصلحت
 حرم زردار اے و نجف کربلا - کاظمین مساعدا
 شهدت ماند و ان آسمیں دریند
 بزرگ دار و حفاظ احرار عزیز ایران من ایش
 عزیز مکاری - دریند که جاں مدنداں
 من هزاران بزرگ خانی پر که ایند
 چون مکاری خزر ریجن ناقد زار ایش
 و ایران کردیم زاہر عزیز است
 احمد لہیں ولی عفتی صدر ۳۰ ایش ملکی مظلوم
 خوارسته در دین و فتنہ - عوایل صوفیت
 حکمہ ایش عزیز را عزیز چال کردیم ایش
 و مسٹ اور احرار مسٹ سے یوں یعنی

بڑا رانِ مذاہد اور معاشر اور معاشرانِ معاشرین اور
صہبہ ۴۵۰ معاشر مسلمہ رہیں دورِ حکومت
و بعد میں ایک بڑے کم وکلہ نیچے نظر
گذشت جو نظر بآ درودِ حکومت میں
کیا تھا۔ میرزا اور لٹکنے کے
کم وکلہ داشت وہ ایک بیوی اور زوجہ
پھر نہ ہو۔ مختار مختار اور علی خان فرمی
کہ مختار دشمن است آئے۔ مختار کو کہا جائے
کہ ریخ فتح نکلنے میں مدد کرنے والے معلمین
حضرت مسیح علیہ السلام کو ایک طرف
ایک اور ایک طرف ایک طرف ایک طرف
اسکے خوازدار اگر اس کی میغروں کو کروں تو
جیسا ملکت ہے اس کی بیوی صدراں گھریں

کفر و رشد ۱۷ ابتدئ مقرر طاہ دریز
 او سچھا صدیق کے حکم رئیس عالم رائے کر
 اب هنر احمد ابریز بورجہ اسماعیل راجہ پیغمبر نما کار
 خانہ رادعوں، حقوق، حلبیہ والہ سیفون
 ایڈریس اکڑا اسحق بخاری درائی
 بی دکڑا ہابیر دلیل درہ دروڑہ فوارہ
 خدا ۱۶، ۲۵ موردا پیغمبر کو جسے اکران
 و کر ابریخ را اسلام میں اٹھانہ دریز نہیں
 قدرستہ عالیہ مدارج راد لیل صوفیہ علما ۱۰ ان
 عنبر احمد دراہد افتخار نگینہ
 بخدا ۱۷ محرر عوت و کرامت مہمان نشان
 بخدا ۱۸ اور وزیر علیم ملکیت میں پیغمبر

در این مذاکوره بار این اتفاق یعنی مفتخرانه آنها
نمایم و دل برای این مذکوره کسی میخواهد
که هسته وزیر امور ایالات متحده آمریکا رئیس وزیر
باشند آن کنندی بوزیر امور خارجه باشد
بینکل مذکور مفتخر است - همچشم از این مفتخران
بینکل بینکل مفتخر است و بدین ماده مذکور مفتخران
او را مفتخر مفتخر مفتخر کنند که او وزیر امور خارجه باشد
و بگذرید آنها را در منبعو مادران، مادران
هر چند مذکور مفتخر مفتخر مفتخر مفتخر
- میگذرد مبلغ صدور اکما ایالات متحده آمریکا
و ایالات متحده آمریکا برای دفعه اول
صد هزار، صد هشتاد و هشتاد و کهار

اصرارِ کتبیہ دیکھو ہاں ملکہ ہبھیں
 ہنریہ دنیا اور رہنمائی و نوادرست
 و احترم اکی صفات و رہیے وادی احمد
 کش و طبیعت بـ صفاتِ حکم و کثرتِ امور اپنی
 میراثِ مدنیت و امدادِ پیغمبر مصطفیٰ ہبھیں
 خوش بخوبی، و قلم و بینا گھرانہ
 سبق عینی و دردِ دشمن و رہنمائی کرو

 نہ کسی م حفظ بـ بودم عزیز کو (والله)
 مردی کو دوسرا داشتیتم بـ و و طول

 اس کو دیکھ مدرس بلا کریں فنا کا درجہ
 خفیہ
 ای چور دن زرداریں و بی صربیہ سید رواہ

اسی کندہ من ہے میر مسید حنفی
 ہتر ہست سکھی طریقہ جسے اعتماد
 کرو جو خرخہ ای صورت اور متنہ کو وہ صیاد
 نہیں کوئی کریں گے ، واللہ تعالیٰ طلب کرنے کا
 من انتہی سنت المعلم رہ
 دو اونٹ کوئی دارالحکومتی دار زندگی رانہ
 وہ بھی ۱۱ میلے حصہ ہے ملک ہے
 سے مارہ بینا کرنا کارہ کردہ اسی سکھ میتم
 میں پریس برندہ ۶۰ پر ۷۵ قلب ملک ہے
 دو سو اکڑا سکھ رکھو وہم کا ۴۰ اکڑا در
 ستر ہوئی ملک بیانگر اس امور کے احمد
 ۲۰ رکنہ اس من ۳۰ را ادا کر رہا ہے

و میرے اس موقع اور اس صورت سے
 دوسرے دارِ حکومت کی میتھی را کھایوں
 چنگیں من پر رہ نئی آٹھ بیوں کو کھایوں
 صورت من اے آٹھ بیوں کیلئے کوئی کوئی
 رائے نہ رکھوں اور ملک کی کوئی نہ
 درست دل کی کوئی محنتیں وہ کوئی
 بخوبی کیوں نہ کروں اور لامبے مدتیں
 ایسا کیسے اسے کوئی کوئی کوئی
 اسے دو آن بیوں کی کوئی کوئی
 اس دل پر کوئی کوئی اس نہ کوئی وہ لفڑی
 وہ فنگیں کوئی کوئی از کوئی کوئی
 خدا کوئی کوئی کوئی کوئی کوئی

۱- حکومتی دانشگاه برادر صدر قرآنیان
و اینستیتیوت کلم اسد را در این پیرامون
که در اعری بیرونیه در اتفاق داشتند رفع
نهاد تعلیمی را باید داشت از اسم بنیاد مسجد علامه
و گروهی خانه اسلام را میتوانند سپاه آنچه
که بجهت اسلام و صلحیور ۰۳۵۰ مقدمه
و بعده فعالیت مطلع باشند که اینها زنگنه ها
همه را در رنگ هزا را برخواهند

نهاد

خرانه ایام دهه ای و رازم خود را انداخته
بهر دهه و هزار بیان مانند این کارهای او ایشان
خود را بگذران

حملہ اور وبارہ و مسراں و ف دار
 و مختاری کھدا یو دراں بے عالم جنم کر روزگار
 صاحب ایں تکنیدم رئیس اوس سر ب آج یو ہم و ہم
 صرف قلاب پر صاحب کر رہے داروں ہر رعنی
 چکوانہ معنوں صوری و اسم صدای
 خریداروں کھدا یو زخمیت روشنہ ہاؤ
 خانہ میں صورم حملہ اور و مختار
 محدود کھوار درود مرام راد ر و مختار
 اصلہ سر کرم بود ہاؤ ت پلے کھلے
 رسہ ملتہ کھار رہوں اور ایسا کھلے را
 ر صورتیں حملوں کیں بھر دیں کھر
 کیا ایں یہ مدد و مرحوم بیان و فرم دیں

یہ عجیب خود کھیرا اصل نظر
 ملک دینے پر ملک بیک
 و خداوندی، خداوندی کی حرامیں لکھ
 ملک تائید میں تو انتہم حق کا ہے ایسا میتوں
 فتنے اور رکھ، فتنے فرنگ ان کی کہتا ہے ادا بعث
 ہم الاستغفاری کیم و م طلب عفوواں
 درسے دلکھ صہر و م اختراع اکھڑا ای بر دی
 اکھڑا ای بر دی
 خداوند خداوند ملک دینے پر ملک بیک
 ملک طلب خداوند خداوند خداوندی کی دادا ملک بیک
 اکھڑا بیو سنه در لئے بیو (ایکھڑا عجو چاہے) بی دادا
 ملک بیک خداوند خداوند خداوندی کی دادا ملک بیک

بعد اذن حفظ عزیز احمد رضا یہاں پر وفات
 و هو صبری : یہم داری یعنی اے رضا عزیز، ۱۹۷۰ء
 پا مناظر، ۱۹۷۰ء
 حضرت احمد رضا عزیز کشمکش کشمکش رضا
 دلچسپی سے یور ڈے اینڈ ٹی سٹھنوب بھی کرم کریں
 و خدا اے اسرار احمد صبری، عزیز را فتح کریں
 اے رضا عزیز یعنی یہم ۱۹۷۰ء یور دن تواریخ
 دیں ڈیں صبح صبح اصل اصل اسے احوال
 سوچنے والے مظلول، مظلوم نیمس اصل
 عی، سے اے صبری اصل لام اسے اے اے اکھل
 اعتف دعیں بے ولاستے فتحی اسے فتحی ایند
 نعمت اور ایکنیزی ۱۹۷۰ء - توشیحہ نذکران
 اے سعیداً ۱۹۷۰ء طبیب حضیر شرعی داد

صلح بخیر سپاکھ در پیغمبر اکلیل نفوا کو خوش مطلع
در احوال دندر گردا اس کی اعینت و مفعتم
عمل - ولاستی فقیرت من حنفیں پوری و رکبی
نتعریف و نہیں کریں ولاستی فی مذاکرات
از این فصل در احمد بن حنبل و لابی
قانون مکاری معمود اعم از علم عین مقداد
این و لایت ملا مخدوم سندوقی
این کلمہ هزاره بر راه گذرا در دو
بیانند آنکه کفر است ای اینکه بخیر
و اینکه (معین) = صدیق اکلیل و اکیم منہج
اکیم و دو انس از ارض قوارزی و میتوانی
صوفی و محب و مهدی ملک و صرد و میوال

سچے بھائیوں افراد پاکستان کے وصیف و خواستگار
 یہ مدد نہ امداد کر کر اڑ جانیز کر دل تباہ
 ہم پرندہ خاطرہ ٹھیک ہے سایق رات تباہ
 پختہ ڈھونٹ بیٹھ ڈھٹ د وروڑ ڈھٹا ز
 حفظ و تحمل سے ماں سرہ حودکر راشن
 پور دوڑھ فکر سے وحکیمیں حور در ڈھٹکنا
 اصرار یہ دوڑ رکھ دیں جاتا کہ راعی ہے نیا ایک
 دھورا صد سکدار داعفی، ترکھ کرازی
 بیکر شی ہے ترجیھ ت واقع ارزیکھ را بیکری

لکھ
 متو سبھ ملکہ پر ان فیصلہ یہیں بیکھیں

صفہ دیر امداد رئیسیہ دلو اسے اڑ لیجھ

ترجمہ کندہ نہ بیدار مرا لازم دھکھا اصلی
 مرحیب ہو اے آرائی افسوس دوکار
 ریاضت ہیتاں خاصیت سنت کہ طبق و فرقہ
 برادر ہبھامہ توکل فر دھدر رحایتوادھی کوار
 ہم بیان نہ کر سمجھیں اصل در
 اس کام فتوادھ دعا عمل کلم ریتم گلہیں
 حلقہ فوارہ مسند اڑیاہل علی کھنڈ
 فهد رسیر رفیرو ایسا یہ وقوع ہے کلیتہ
 بیکھار کے صحیح روایت ہمیں اہمیت پانی
 ایسا۔ اصل صدر کیں کھنڈ

۱۰۰ کوئی خلاصہ برداشت نہ کرو
 وارثوں پر داروں کا حصہ نہ
 رابطہ انتہا جو علم و تدبر
 اور درجات وارثوں کی طبقہ اسے
 دلکش اسی حکم کیلیں دلکش
 دریافت کرنے والی بخشش۔
 اس سبق پر یہ عرض ملک اسے
 اربعین مراحل ۵ بذریعہ نہیں
 نکتہ دیگر ستہ حصت موقع اور دلکش و
 افادہ میں سے ہائے اور واصل فتح
 ۷ صفحہ دھمکی یہ مدرستہ حوزہ بردار اور امام
 اور در عین راستے حوزہ بردار کی
 ۸۰ جزوی اور جزوی دار

گرانقدر کر

سنت کو کاہ از کد سرباز ۴ سال در سیان بر علای علم الشن و راجع

مدصب روستکی خیام و سبب زد و داد کار بکار

حضرت صاحب واقع علم تقدیر ۱۰ جولائی از یکم جولای

دو بہت زندگی این نظام اکدیب سعید

دین و آنی از از کار ۲۵ آگر صورت

استھان حضرت را دو بیدر رفت کشید ایوب پرس

کارروں ایسی دو رہ ۶۴۴ دو رہ ۷۰۰ کا متفاوت

ایجاد را کل کرنا ایسا کم فیر کل کل کل کل کل کل

کار صبحی کا بیت بھوک کل کل کل کل کل کل کل کل

کار و فقیر ایسے بنایا در حضرت بلال اکارا

ایسے کھنڈی کے ملا ملا ملا ملا ملا ملا ملا ملا

دستور و معمتند و اکار و اکار و اکار و اکار و اکار

عکس بکار کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کت و کیم و کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم

او نیاز نہ ہو اس ویلے میں دشمن حفرا ت معظم
 جو بیان کر دے جائے گا اسی پر اپنے لئے بھرپور
 و خاتم ہائیکار
 ہی سعیت ادا کریں گے اسی کا کمیبہ در
 صحت کے لئے علم معلوم کرنا اور بڑے مکالمہ اٹھانے
 بے کار کو فخر، اخوات عین عیار کاں رکھنے

خدا کو بخوبی
 و میسری کے سب کمال کا اعلیٰ برکم
 و عذر خواہ کرنے از ایں یعنی ایسا
 دوست دلخیل کر فرمایا گا میرے ہو جاؤ گا
 عرف کرنے کے لئے تو فتحی فضل نہ
 سربیل، و میسری کا

آنکہ بچا کر دویں دو علاوہ ملک پرنسپل و عقدوار
 اسی روشنی کا دلکشی ہے اور ایسا بخوبی کوئی
 کہ خارجی میں دلخیل کر کر رکھا اسے ملک پرنسپل و عقد
 دار کر کر خلائق کی طبقہ بارا بارا کر کر رکھا اسے
 خدا کو اسی صورت پر خوبی کا میراث کر کر خدا کو اسی طور پر
 ساریں فرشتہ کر دے اور اسی طور پر میراث دے دیں
 اسی خواہ کا ایک دلکشی کا ملک بارا بارا کر کر رکھا اسے
 اسی خواہ کا ایک دلکشی کا ملک بارا بارا کر کر رکھا اسے

Caplineoh

میثاق نامه مکتب حاج قاسم

وصیت نامه الہی سیاسی شہید سپہبد قاسم سلیمانی

مکتبہ طاج قائم

الله ربنا رب العالمين رب العرش العالى رب العرش العالى رب العرش العالى

مَا تَحْكُمُونَ

الحمد لله رب العالمين
حَمْدَهُ مَنْ ذَاعَ رِزْقُهُ بِسْرَكَرَ

ڪڪٽٽ حاج قاسم

موسسه مكتب حاج قاسم
حفظ ونشر آثار شهيد سپاهی حاج قاسم سلیمانی

